

## بررسی رابطه میزان احساس شادی با نوع رفتار در دانشجویان مختلف دانشگاه‌های شهر کرمان

دکتر سید حمیدرضا علوی\*

### چکیده

هدف این تحقیق، شناسایی و بررسی میزان احساس شادی دانشجویان در هنگام رفتارهای علمی، هنری، اخلاقی و دینی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، تمامی دانشجویان دانشگاه‌های شهید باهنر، علوم پزشکی، آزاد اسلامی و پیام نور شهر کرمان (به تعداد ۳۲۷۹۵ دانشجو) در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۸۴ است که تعداد ۵۷۳ نفر از آنان با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. روش انجام تحقیق، توصیفی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، به صورت پرسش‌نامه‌ای است که توسط محقق طراحی گردیده و روایی آن، معادل ۰/۹۰۲ و پایایی آن، معادل ۰/۹۰۳ محاسبه شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از آزمون دو جمله‌ای و با کمک نرم‌افزار آماری SPSS انجام شد. نتایج تحقیق نشانگر آن است که با افزایش رفتارهای علمی، هنری، اخلاقی و دینی دانشجویان، میزان شادی در آنان افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: شادی، رفتار علمی، رفتار هنری، رفتار اخلاقی، رفتار دینی، دانشجویان.

## مقدمه

شادی، حالتی عاطفی است که می‌توان آن را اساس آرامش آدمی دانست. البته پیدا کردن تعریفی دقیق برای شادی، همچنان به عنوان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های فلسفی مطرح می‌باشد، چنان‌که در طول تاریخ نیز چنین بوده است (هوگارد،<sup>۱</sup> ۲۰۰۵).

عوامل و متغیرهای بسیاری در رشد و توسعه شادی سهم دارد و از راه‌های گوناگون می‌توان به شادی رسید؛ اما در واقع، شادی فراتر از دریافت لذت‌های فوری و لحظه‌ای است (مارتین،<sup>۲</sup> ۲۰۰۵). شادی حالتی است که فرد در آن حالت، به این احساس و باور می‌رسد که زندگی او در مسیری صحیح و خوب جریان دارد (هوگارد، ۲۰۰۵).

اگر چه در شادی، لذت وجود دارد؛ اما هر گونه لذتی را نمی‌توان شادی تلقی کرد. شادی، لذت پایدار و اصیلی است که با روح و ذات آدمی سازگار و هماهنگ است (که در این تحقیق نیز همین تربیت مورد توجه است). به عبارت دقیق‌تر، می‌توان برای شادی سه سطح در نظر گرفت (که سطح بعدی، محتوا و حالت سطح قبلی را نیز با خود دارد): در سطح اول، احساس‌های فوری، خوشی و لذت قرار می‌گیرد. سطح دوم، شامل قضاوت درباره احساس‌ها، آسایش و رضایت است، در سطح سوم نیز، کیفیت زندگی و به فعلیت رساندن قوا و استعدادها قرار داد. هر قدر از سطح سوم به سمت سطح اول حرکت شود، حالت‌ها، فوری‌تر، حسی‌تر، عاطفی‌تر، مطلق‌تر، و سنجش‌پذیرتر است و هر قدر از سطح اول به سمت سوم حرکت شود، همان حالت‌ها شناختی‌تر، نسبی‌تر، اخلاقی‌تر و بیشتر در برگیرنده هنجارها و ارزش‌های فرهنگی است (ناتل،<sup>۳</sup> ۲۰۰۵). توجه به این مطالب، نشانگر آن است که اولاً شادی و سنجش آن، بار روان‌شناختی و همچنین فلسفی دارد؛ زیرا مفاهیمی مرتبط با هر دو مقوله در آن قرار می‌گیرد. دوماً اگر چه شادی، سنجش‌پذیر و قابل اندازه‌گیری است، اما هرگز نمی‌توان ادعا کرد که می‌توان شادی افراد را به صورت کامل و حقیقی سنجید، به خصوص آنجا که شادی با مفاهیمی فلسفی (وایت،<sup>۴</sup> ۲۰۰۶) همراه می‌شود، چنین سنجشی پیچیده‌تر و دشوارتر جلوه می‌کند؛ بنابراین، به طور کلی می‌توان این گونه برداشت نمود که شادی پیچیده‌تر از آن است که بتوان آن را در حد یک موضوع کاملاً مستقل و یا فرمول ساده تنزل داد.

شادی دارای سه عنصر جداگانه است: ۱. لذت، یعنی حضور حالت‌ها و یا عواطف مثبتی، مانند خوشی؛ ۲. عدم حضور رنج و نگرانی، یعنی عدم حضور حالت‌ها یا عواطف

1. Hoggard  
3. Nettle

2. Martin  
4. White

نگران‌کننده، مانند اندوه، اضطراب، ترس، خشم، احساس گناه، احساس حسادت و یا شرم؛ ۳. رضایت، یعنی نحوه قضاوت و تفکر خرسندآمیز فرد در مورد کل حیات و زندگی خود و یا حداقل جنبه‌های به خصوصی از آن، مانند روابط شخصی وی، یا توانایی‌های جسمانی و یا حرفه‌ای او. در واقع، ترکیب این سه عنصر است که شادی را تشکیل می‌دهد. برخی فلاسفه و روان‌شناسان، عنصر یا بعد چهارمی را به شادی اضافه می‌کنند که می‌توان آن را «هدفداری» و یا «فضیلت» نامید؛ به عبارت دیگر، اگر بناست که حیات فردی همراه با شادی باشد، لزوماً باید با هدف و معنایی فراتر از لذت یا رضایت همراه شود. برای برخی افراد، این بعد چهارم، هم‌معنای با دین و دیانت است (مارتین، ۲۰۰۵)؛ بنابراین می‌توان گفت که لذت‌های حسی، کمترین نقش و پیدا نمودن معنا و مفهوم راستین حیات، بالاترین نقش را در شادی دارد (هوگارد، ۲۰۰۵). با توجه به تمامی این مطالب، برای سنجش و اندازه‌گیری شادی در افراد باید تمامی موارد یاد شده را لحاظ نمود. برخی روان‌شناسان، برای سنجش تعدادی از این ابعاد و عناصر و برخی برای تمامی آنها، پرسش‌نامه‌هایی طراحی نموده‌اند. غالباً نتایج این تحقیقات بیانگر آن بوده که آن پرسش‌نامه‌ها تا حد زیادی هماهنگ و سازگار با هم عمل نموده‌اند، مانند اینکه جنبه‌ها و ابعاد گوناگون شادی با یکدیگر رابطه دارند (مارتین، ۲۰۰۵).

اگر با توجه به نظر فلاسفه و اندیشمندان جهان، یکی از اهداف حیات، شادی دانسته شود (وایت، ۲۰۰۶)، در این صورت، جهت زندگی و زیستن آدمی تعیین و مشخص می‌شود؛ زیرا در چنین حالتی وی باید به گونه‌ای زندگی کند که شادتر و آرام‌تر باشد و از هر آنچه که عامل غصه و اندوه بی‌مورد است، فاصله گیرد (ناتل، ۲۰۰۵).

در نهایت، هدف اساسی انسان از تمامی زندگی و متعلقات آن، رسیدن به شادی و آرامش است (هوگارد، ۲۰۰۵)؛ بنابراین، انسان‌ها باید در پی کشف عوامل اصیل و حقیقی باشند که آنان را به شادی و چنان آرامشی برساند که از اندوه و غصه برهاند؛ به عبارت دیگر، بالاترین دغدغه انسان‌ها رسیدن به شادی و بالاترین رسالت تعلیم و تربیت، رساندن به شادی است (نودینگ، ۲۰۰۵)<sup>۱</sup>. آنچه در این عرصه، اهمیت فراوان دارد، آن است که انسان‌ها ابزار واقعی رسیدن به شادی را بیابند و از ابزار پنداری و یا حتی از ابزار اضطراب، دغدغه و تشویش، شادی و آرامش را طلب نکنند. خوشبختانه این گونه گزارش شده است که تمامی انسان‌ها می‌توانند با در نظر گرفتن عوامل حقیقی رسیدن به شادی، احتمال رسیدن به آن و یا میزان شادی را در خود افزایش دهند. چنین امری - با وجود تغییراتی در

1. Noddings

سنین مختلف حیات - در تمامی طول عمر صادق است. اگر چه بسیاری از فلاسفه و ادیان در طول دو قرن گذشته، شادی را مورد مطالعه قرار داده‌اند، با این وجود، علم از آن غافل مانده بود و خوشبختانه هم اکنون چنین امری نیز در حال تغییر است. از سال ۱۹۹۸، زمینه مطالعات جدید با نام روان‌شناسی مثبت شکل گرفته که بیشتر بر این موضوع متمرکز است که چگونه انسان‌ها می‌توانند بهتر و شادتر زندگی کنند، در مقایسه با اینکه چگونه آنها بیمار می‌شوند (هوگارد، ۲۰۰۵). نتایج تحقیقات علمی نشانگر آن است که شادی، مهارتی است که می‌توان همچون سایر مهارت‌ها آموخته شود؛ بنابراین، آموزش چنین مهارت‌ها و رعایت نکاتی که سبب ایجاد و یا افزایش شادی می‌شود، اهمیت ویژه‌ای دارد. نکته مهم آنکه میزان شادی افراد، ملاک تعیین‌کننده دقیقی برای بهداشت روانی آنها، موفقیت و یا عدم موفقیت آنها در کار و یا کلاس درس‌شان، روابط فردی و زندگی خانوادگی‌شان، سلامت جسمانی و حتی طول عمر آنها است (مارتین، ۲۰۰۵)؛ بنابراین، با تعیین شادی در افراد می‌توان تا حد زیادی به قضاوت صحیح‌تر در خصوص موارد یاد شده، امید داشت و از طرف دیگر، با بهبود و افزایش میزان شادی در آنان می‌توان به بهبود تمامی این موارد امیدوار بود.

توجه به تمام عوامل مؤثر بر شادی، در واقع توجه به تمامی ارزش‌ها، خوبی‌ها و شایستگی‌ها است (وایت، ۲۰۰۶) و کسانی که چنین عواملی را بشناسند، خواهند توانست شادتر زندگی نمایند (مارتین، ۲۰۰۵). دانشجویان دانشگاه‌ها نیز، که از مهم‌ترین اقشار جامعه محسوب می‌شوند، در صورت برخورداری از شادی حقیقی در ذات و شخصیت خود، احتمال موفقیت خود را (هوگارد، ۲۰۰۵؛ مارتین، ۲۰۰۵) در تمامی شئون تحصیلی و معنوی در زمان دانشجویی و حتی پس از طی دوران تحصیلی دانشگاهی و در زمان اشتغال به کار افزایش خواهند داد.

در مورد عواملی که می‌تواند با شادی مرتبط باشد، نتایج برخی از تحقیقات نشانگر آن است که دین علاوه بر افزایش شادی، در بهداشت و سلامت افراد نیز تأثیرگذار است (هوگارد، ۲۰۰۵). همچنین ایمان مذهبی، افراد را به امری فراتر از خودشان پیوند می‌دهد. شواهد فراوانی دلالت دارد بر اینکه افرادی که دینداری را تجربه می‌نمایند، از سلامت و آسایش، بهره‌مند می‌شوند (ناتل، ۲۰۰۵). هدف زندگی، اول از هر چیز شناختن خدا و عشق به او است. چنین مفهومی، راه را برای سوق دادن تمامی افراد به سوی شادی باز می‌کند، البته مشروط بر آنکه مؤمن باشند (نودینگ، ۲۰۰۵). تحقیقات بسیاری، که بیشتر آنها هم در ایالات متحده آمریکا انجام شده، بیانگر آن است که اشخاص مذهبی نسبت به

اشخاص غیر مذهبی گرایش بیش‌تری نسبت به شادی دارند؛ به عبارت دیگر، می‌توانند شادتر باشند. در واقع، «اعتقاد» و «فعالیت» مذهبی، هر دو می‌تواند در ایجاد شادی در افراد مؤثر باشد (مارتین، ۲۰۰۵). داوطلب انجام یک کار خیر و خوب شدن به اندازه دو برابر شدن درآمد افراد به آنها شادی می‌دهد (هوگارد، ۲۰۰۵). شادی با منش و سلوک اخلاقی مرتبط است و همچنین خود شادی نیز محصول یک زندگی اخلاقی می‌باشد (نودینگ، ۲۰۰۵). با توجه به متون اسلامی، عواملی که می‌تواند با افزایش و بهبود شادی انسان مرتبط باشد، عبارت است از: ایمان و اعتقاد به خدا (انعام، ۸۲)، یاد خدا (طه، ۱۲۴؛ رعد، ۲۸)، آیات قرآن (اسراء، ۸۲؛ نهج‌البلاغه، خطبه ۷۶ و ۱۱۰)، خوبی و کمک به دیگران (انبیا، ۸۷-۸۸؛ آل عمران، ۱۰۴)، زهد (حدید، ۲۳؛ طه، ۱۳۱) (به نقل از علوی، ۲۰۰۲).

روابط شخصی نقش قابل توجهی را در شادی دارد (مارتین، ۲۰۰۵). اصولاً افرادی که روابط مستحکم و پایداری دارند، از افراد تنها شادترند. آنچه که ما را حقیقتاً شاد می‌کند، روابط و پیوندهای عاطفی با خانواده، کار، جامعه، دوستان، سلامت، آزادی شخصی و ارزش‌های اخلاقی است (هوگارد، ۲۰۰۵).

بعضی از تحقیقات، رابطه مداوم - و اگر چه متوسط - بین سطح آموزشی و شادی را تأیید کرده است. اشخاصی که سال‌های آموزشی بیشتری را داشته‌اند، نسبت به کسانی که فقط سطوح پایین‌تری را گذرانده‌اند، تا حدی از شادی بیشتری برخوردارند. البته باید توجه داشت که آموزش حالتی دو بعدی دارد. برخی افراد با تحصیلات بالا، نسبت به زندگی خود احساس عدم رضایت دارند و بنابراین، به واسطه توقع‌های نامعقول ناشادتر هستند؛ اما یک آموزش مناسب باید به هر فرد کمک کند تا آنکه توانایی‌ها و محدودیت‌های خود را به خوبی تشخیص دهد (مارتین، ۲۰۰۵).

شواهد علمی زیادی وجود دارد، درباره اینکه تجربه کردن اشکال به خصوصی از مراقبه<sup>۲</sup> می‌تواند سبب پرورش شادی و کاهش اضطراب و نگرانی شود (همان). یافته‌های پژوهشی نشانگر تأثیر مثبت مراقبه بر آسایش ذهنی است (ناتل، ۲۰۰۵). بر اساس استدلال ابراهام مازلو، رؤیت منظره زیبای یک غروب خورشید، دیدن یک نوزاد، شنیدن صدای دلنشین یک اقیانوس و مواردی مانند اینها، می‌تواند احساس تعالی خاصی را به همراه شادی فراوانی در فرد ایجاد نماید (نودینگ، ۲۰۰۵). بسیاری از افراد، طبیعت و مشاهده مناظر طبیعی را یکی از راه‌های کاهش تأثیر عواطف و احساس‌های منفی تشخیص داده‌اند (ناتل، ۲۰۰۵).

1. Alavi

2. Meditation

در مقیاس وسیع، در حال حاضر، جهانیان نسبت به هر زمان دیگر، سالم‌تر و ثروتمندتر هستند؛ با این حال، تعداد رو به افزایشی از افراد اظهار می‌کنند که از شادی و آرامش برخوردار نیستند. ممکن است که خانه، ماشین و سایر تسهیلات و امکانات را داشته باشند؛ با این وجود، چرا هنوز این همه اظهار عدم رضایت نسبت به زندگی دارند؟ مردمی که با وجود ثروت فراوان، در دموکراسی‌های غربی شادتر نیستند و یا با وجود آنکه سطح درآمد در اروپا و آمریکای شمالی به طور ثابتی از آغاز دهه ۱۹۷۰ افزایش یافته، با این حال سطح رضایت تقریباً هیچ‌گونه بهبودی نداشته است و حتی در ایالات متحده آمریکا شاهد پایین آمدن شادی بوده‌ایم؟! تعداد خودکشی‌های مردان تقریباً در تمامی ملل غربی از آغاز دهه ۱۹۷۰ تا زمان حال افزایش یافته است. در سال‌های اخیر، به نظر می‌رسد که کشورهای ثروتمند، میزان خودکشی بالاتری را داشته‌اند. البته میزان رضایت شغلی نیز در طول یک ربع قرن گذشته افزایش نیافته است (هوگارد، ۲۰۰۵). شاید دقت در تمامی این موارد نشانگر این حقیقت باشد که جهان امروز و خصوصاً اندیشمندان، صاحب‌نظران و دانشمندان آن، مسئول تحقیق و جستجو برای یافتن پاسخ به این سؤال اساسی هستند که عوامل اصلی شادی آدمی کدام است؟ آیا به راستی معنویت، دیانت، اخلاق و نیکویی، عامل شادی است؟ سهم مادیات و مجموعه تعلقات دنیوی چه میزان است؟ دانایی به چه میزان در ایجاد شادی مؤثر است؟ سهم هنر در این عرصه تا چه حد تعیین‌کننده است؟ صفات سوء اخلاقی که تعداد زیادی از آنها هم در جامعه رواج فراوانی یافته است، تا چه میزان با افزایش شادی آدمی مرتبط است؟

چنین به نظر می‌رسد که بالاترین رسالت ایجاد و پرورش شادی در افراد - خصوصاً دانش‌آموزان و دانشجویان - بر عهده نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی یک کشور است که نسلی را رشد می‌دهد که هم خود از شادی و آرامش کافی برخوردار شوند و هم عامل تولید و پرورش شادی و آرامش در دیگران باشند. از طرف دیگر، در این عرصه نیز با این سؤالات اساسی رو به رو هستیم که حقیقتاً دو نظام یاد شده و تمامی ابعاد، اجزا و مؤلفه‌های آنها تا چه میزان شادی‌پرور هستند؟ آیا برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، روش‌های تدریس و ارزش‌یابی، ارتباطات معلمان و فراگیران در محیط‌های آموزشی، نحوه مدیریت آموزشی و ده‌ها عامل دیگر در راستای ایجاد و پرورش شادی در دانش‌آموزان و دانشجویان و حتی معلمان و اساتید و سایر افراد عمل می‌کند؟ همچنین در هر کدام از این موارد باید به چه نکاتی توجه شود که به جای ترویج روحیه تنش، اضطراب، افسردگی و

ده‌ها اختلال دیگر در افراد، این موارد به عوامل افزایش و بهبودی شادی و آرامش در محیط‌های آموزشی - که آشکارترین آنها دانشگاه است - تبدیل شود؟ اما این گونه به نظر می‌رسد که جهان امروز تا حد زیادی از چنین حقیقتی غافل مانده و نظام تعلیم و تربیت، هر دو با هم نتوانسته شادی را در فراگیران هر دو حوزه در حد وسیع و بالایی رشد و پرورش دهد (نودینگ، ۲۰۰۵).

دقت در همه تحقیقات انجام شده درباره شادی نشانگر آن است که اولاً بیشتر آنها در کشورهای خارجی انجام شده و کمتر تحقیقی در ایران درباره شادی دانشجویان صورت گرفته است. دوماً تاکنون پژوهشی درباره شادی با چنین رویکردی انجام نشده است که در آن، رابطه انواع رفتارهای علمی، هنری، اخلاقی، دینی با شادی دانشجویان سنجیده شود. آیا انجام چنین تحقیقی می‌تواند نشانگر این حقیقت باشد که دانشجویان با انجام رفتارهای علمی، هنری، اخلاقی و دینی احساس شادی می‌نمایند و یا آنکه اموری مغایر با این موارد می‌تواند در آنان ایجاد احساس شادی کند؟ در صورت تأیید این امر که با افزایش این رفتارها، شادی دانشجویان هم افزایش می‌یابد، آن گاه می‌توان با برنامه‌ریزی سنجیده‌تر برای بهبود و تقویت این رفتارها، به افزایش شادی در دانشجویان امید داشت.

هدف این تحقیق، سنجش و بررسی میزان احساس شادی در دانشجویان دانشگاه‌های شهر کرمان در هنگام انجام رفتارهای علمی، هنری، اخلاقی، دینی و همچنین مقایسه میزان احساس شادی دانشجویان در هنگام رفتارهای یاد شده بر اساس عوامل فردی است. به منظور رسیدن به این هدف، فرضیه‌هایی طرح شد:

۱. میزان احساس شادی دانشجویان با افزایش رفتار علمی، افزایش می‌یابد.
۲. میزان احساس شادی دانشجویان با افزایش رفتار هنری، افزایش می‌یابد.
۳. میزان احساس شادی دانشجویان با افزایش رفتار اخلاقی، افزایش می‌یابد.
۴. میزان احساس شادی دانشجویان با افزایش رفتار دینی، افزایش می‌یابد.
۵. میزان احساس شادی دانشجویان در هنگام رفتارهای علمی، هنری، اخلاقی و دینی بر اساس عوامل فردی متفاوت است.

در این پژوهش، منظور از شادی، لذت پایدار و اصیل است (که این لذت‌ها با فطرت آدمی نیز سازگار و هماهنگ می‌باشد) و منظور از رفتار علمی، هنری، اخلاقی و دینی، فعالیت‌ها و اعمالی است که افراد (دانشجویان) برای علم، هنر، اخلاق و دین انجام می‌دهند. عوامل فردی در این تحقیق عبارت است از: سن، مقطع تحصیلی، تعداد واحد گذرانده، معدل کل، معدل دیپلم، جنسیت، دانشگاه، دانشکده و محل سکونت.

## روش‌شناسی

در این پژوهش، از روش تحقیق توصیفی استفاده شده است؛ زیرا هدف اصلی پژوهش حاضر، توصیف وضعیت احساس شادی دانشجویان در هنگام بروز رفتارهای گوناگون در آنان بوده است.

جامعه آماری این تحقیق، تمامی دانشجویان دانشگاه‌های شهید باهنر، علوم پزشکی، آزاد اسلامی و پیام نور شهر کرمان در سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۵ بود که هر کدام از این دانشگاه‌ها در این سال تحصیلی، براساس با نظرهای موجود در سایت کامپیوتری این دانشگاه‌ها و یا مسئولان آنها به تعداد زیر دانشجو داشتند:

دانشگاه شهید باهنر کرمان	۱۲۵۰۰ نفر
دانشگاه علوم پزشکی	۴۰۰۰ نفر
دانشگاه آزاد اسلامی	۱۲۶۹۰ نفر
دانشگاه پیام نور کرمان	۳۶۰۵ نفر

از بین این دانشگاه‌ها، با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و با استفاده از روش تعیین حجم نمونه کامپیوتری که در آن برای این دانشگاه‌ها، حداقل نمونه قابل تعمیم مشخص می‌شود. با توجه به تعداد کل دانشجویان آنها، یعنی ۳۲۷۹۵ نفر، ۵۷۳ دانشجو به شرح زیر انتخاب شدند:

دانشگاه شهید باهنر کرمان	۲۶۴ نفر
دانشگاه علوم پزشکی	۹۱ نفر
دانشگاه آزاد اسلامی	۱۳۳ نفر
دانشگاه پیام نور کرمان	۷۵ نفر

ابزار جمع‌آوری اطلاعات، «پرسش‌نامه» بود که توسط محقق و با در نظر گرفتن ادبیات و پیشینه تحقیق طراحی شد (پیوست ۱). این پرسش‌نامه، شامل ۲۷ مورد است که مجموعه رفتارهای علمی، هنری، اخلاقی و دینی را مورد سنجش قرار می‌دهد. برای پاسخگویی هر مورد نیز از طیف لیکرت در مقیاس‌های «بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم، بسیار کم» استفاده شد. نُه مورد ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳ برای سنجش «رفتار علمی»، چهار مورد ۱۴، ۱۵، ۲۴، ۲۵ برای سنجش «رفتار هنری»، نُه مورد ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۳ برای سنجش «رفتار اخلاقی» و پنج مورد ۲، ۷، ۱۶، ۲۶، ۲۷ برای سنجش «رفتار دینی» در نظر گرفته شد. قبل از شروع موارد یاد شده و در مقدمه پرسش‌نامه، پاسخگویان مخاطب این سؤال قرار گرفته بودند که در هر کدام از موارد مربوط تا چه میزان احساس شادی به



آنان دست می‌دهد. همچنین پاسخگویان در مقدمه پرسش‌نامه از تحلیل جمعی نتایج و محرمانه بودن آن نتایج مطمئن شدند و به این ترتیب، احتمال پاسخگویی دقیق آنان به موارد یاد شده افزایش یافت. به منظور تعیین «روایی» پرسش‌نامه به پنج نفر از اساتید صاحب‌نظر بخش علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان مراجعه شد تا میزان مناسب بودن هر کدام از موارد پرسش‌نامه را برای سنجش فرضیه‌های پژوهش مشخص کنند. روایی این پرسش‌نامه، معادل ۰/۹۰۲ محاسبه شد (پیوست ۲).

همچنین به منظور تعیین «پایایی» پرسش‌نامه از روش «آزمون مجدد» استفاده شد؛ بدین صورت که تعداد ۱۰ پرسش‌نامه، در اختیار ۱۰ نفر از جامعه آماری تحقیق قرار داده شد و سپس، بعد از گذشت ۹ روز، پرسش‌نامه‌های تحقیق در اختیار همان ۱۰ نفر قرار گرفت که با استفاده از فرمول «پایایی» پرسش‌نامه تحقیق، معادل ۰/۹۰۳ محاسبه شد (پیوست ۳). تجزیه و تحلیل آماری داده‌های تحقیق با استفاده از آزمون دو جمله‌ای صورت گرفت.

### نتایج

جدول (۱): توزیع فراوانی عوامل فردی دانشجویان

درصد پاسخگو	درصد	فراوانی	عامل فردی دانشجو		
۴۹/۱	۴۵/۷	۲۶۲	زن	پاسخگو	جنس
۵۰/۹	۴۷/۵	۲۷۲	مرد		
۱۰۰	۹۳/۲	۵۳۴	جمع		
-	۶/۸	۳۹	بی‌پاسخ		
-	۱۰۰	۵۷۳	جمع کل		
۱۵/۹	۱۴/۳	۸۲	کمتر از ۲۰ سال	پاسخگو	سن
۵۶/۳	۵۰/۶	۲۹۰	۲۰-۲۲ سال		
۲۲/۹	۲۰/۶	۱۱۸	۲۳-۲۵ سال		
۴/۹	۴/۴	۲۵	بیشتر از ۲۵ سال		
۱۰۰	۸۹/۹	۵۱۵	جمع		
-	۱۰/۱	۵۸	بی‌پاسخ		
-	۱۰۰	۵۷۳	جمع کل		

۶۱/۴	۵۲/۵	۳۰۱	استان کرمان	پاسخگو	محل تولد
۳۸/۶	۳۳	۱۸۹	خارج از استان کرمان		
۱۰۰	۸۵/۵	۴۹۰	جمع		
-	۱۴/۵	۸۳	بی پاسخ		
-	۱۰۰	۵۷۳	جمع کل		
۴۴/۶	۳۴/۹	۲۰۰	منزل شخصی		
۱۹/۲	۱۵	۸۶	منزل استیجاری		
۳۶/۲	۲۸/۳	۱۶۲	خوابگاه		
۱۰۰	۷۸/۲	۴۴۸	جمع		
-	۲۱/۸	۱۲۵	بی پاسخ		
-	۱۰۰	۵۷۳	جمع کل		
۱	۰/۷	۴	۱۲-۱۰	پاسخگو	معدل کل
۱۵/۳	۱۰/۳	۵۹	۱۴-۱۲		
۶۰/۳	۴۰/۵	۲۳۲	۱۷-۱۴		
۲۳/۴	۱۵/۷	۹۰	۱۷ و بیشتر		
۱۰۰	۶۷/۲	۳۸۵	جمع		
-	۳۲/۸	۱۸۸	بی پاسخ		
-	۱۰۰	۵۷۳	جمع کل	پاسخگو	معدل دیپلم
۰/۵	۰/۳	۲	۱۲-۱۰		
۱	۰/۷	۴	۱۴-۱۲		
۳۴	۲۴/۴	۱۴۰	۱۷-۱۴		
۶۴/۶	۴۶/۴	۲۶۶	۱۷ و بیشتر		
۱۰۰	۷۱/۹	۴۱۲	جمع		
-	۲۸/۱	۱۶۱	بی پاسخ	جمع کل	
-	۱۰۰	۵۷۳	جمع کل		

**فرضیه اول تحقیق:** میزان احساس شادی دانشجویان با افزایش رفتار علمی، افزایش می‌یابد.

بر اساس محاسبات آزمون دو جمله‌ای، چون  $p$  - مقدار محاسبه شده کمتر از سطح معناداری  $\alpha = 0/05$  است؛ بنابراین، در این سطح  $H_0$  رد می‌شود؛ یعنی بیشتر از ۵۰ درصد دانشجویان، میزان احساس شادی آنها در هنگام رفتار علمی زیاد و بسیار زیاد بوده است. در جامعه آماری با توجه به فواصل اطمینان، از دیدگاه دانشجویان با احتمال ۹۵ درصد میزان احساس شادی آنها در هنگام رفتار علمی ۵۹/۴ درصد تا ۶۷/۳ درصد زیاد و بسیار زیاد بوده است. در نتیجه، میزان احساس شادی دانشجویان با افزایش رفتار علمی، افزایش می‌یابد (جدول ۲).

**فرضیه دوم تحقیق:** میزان احساس شادی دانشجویان با افزایش رفتار هنری، افزایش می‌یابد.

بر اساس محاسبات آزمون دو جمله‌ای، چون  $p$  - مقدار محاسبه شده کمتر از سطح معناداری  $\alpha = 0/05$  است؛ بنابراین، در این سطح  $H_0$  رد می‌شود؛ یعنی بیشتر از ۵۰ درصد دانشجویان، میزان احساس شادی آنها در هنگام رفتار هنری زیاد و بسیار زیاد بوده است. در جامعه آماری با توجه به فواصل اطمینان، از دیدگاه دانشجویان با احتمال ۹۵ درصد میزان احساس شادی آنها در هنگام رفتار هنری ۶۹/۳ درصد تا ۷۶/۶ درصد زیاد و بسیار زیاد بوده است. در نتیجه، میزان احساس شادی دانشجویان با افزایش رفتار هنری، افزایش می‌یابد (جدول ۲).

**فرضیه سوم تحقیق:** میزان احساس شادی دانشجویان با افزایش رفتار اخلاقی، افزایش می‌یابد.

بر اساس محاسبات آزمون دو جمله‌ای، چون  $p$  - مقدار محاسبه شده کمتر از سطح معناداری  $\alpha = 0/05$  است؛ بنابراین، در این سطح  $H_0$  رد می‌شود؛ یعنی بیشتر از ۵۰ درصد دانشجویان، میزان احساس شادی آنها در هنگام رفتار اخلاقی زیاد و بسیار زیاد بوده است. در جامعه آماری با توجه به فواصل اطمینان، از دیدگاه دانشجویان با احتمال ۹۵ درصد میزان احساس شادی آنها در هنگام رفتار اخلاقی ۸۷/۴ درصد تا ۹۲/۳ درصد زیاد و بسیار زیاد بوده است. در نتیجه، میزان احساس شادی دانشجویان با افزایش رفتار اخلاقی، افزایش می‌یابد (جدول ۲).

فرضیه چهارم تحقیق: میزان احساس شادی دانشجویان با افزایش رفتار دینی، افزایش می‌یابد.

بر اساس محاسبات آزمون دو جمله‌ای، چون  $p$ -مقدار محاسبه شده کمتر از سطح معناداری  $\alpha = 0/05$  است؛ بنابراین، در این سطح  $H_0$  رد می‌شود؛ یعنی بیشتر از ۵۰ درصد دانشجویان، میزان احساس شادی آنها در هنگام رفتار دینی زیاد و بسیار زیاد بوده است. در جامعه آماری با توجه به فواصل اطمینان، از دیدگاه دانشجویان با احتمال ۹۵ درصد میزان احساس شادی آنها در هنگام رفتار دینی ۸۰/۴ درصد تا ۸۶/۵ درصد زیاد و بسیار زیاد بوده است. در نتیجه، از دیدگاه دانشجویان با افزایش رفتار دینی، شادی افزایش می‌یابد (جدول ۲).

جدول (۲): توزیع فراوانی و آماره‌های آزمون میزان احساس شادی در رفتار دانشجویان

مقدار $p$	آماره $Z$	احتمال گروه	درصد	فراوانی	میزان احساس شادی		
					نوع رفتار		
۰/۰۰۰	۶/۳۹	۰/۳۶۶	۵/۹	۳۴	بسیار کم	گروه اول	رفتار علمی
			۱۰/۱	۵۸	کم		
			۲۰/۶	۱۱۸	متوسط		
		۰/۶۳۴	۳۲/۶	۱۸۷	زیاد	گروه دوم	
			۳۰/۷	۱۷۶	بسیار زیاد		
			۱	۵۷۳	جمع		
۰/۰۰۰	۶/۳۹	۰/۲۷۱	۱/۹	۱۱	بسیار کم	گروه اول	رفتار هنری
			۲/۳	۱۳	کم		
			۲۲/۹	۱۳۱	متوسط		
		۰/۷۲۹	۳۴/۲	۱۹۶	زیاد	گروه دوم	
			۳۸/۷	۲۲۲	بسیار زیاد		
			۱	۵۷۳	جمع		

میزان احساس شادی	نوع رفتار	گروه	میزان احساس شادی		
			بسیار کم	کم	متوسط
۰/۰۰۰	۱۹/۰۹	گروه اول	۰/۳	۲	بسیار کم
			۰/۲	۱	کم
			۹/۶	۵۵	متوسط
		گروه دوم	۴۱/۲	۲۳۶	زیاد
			۴۸/۷	۲۷۹	بسیار زیاد
			۱	۵۷۳	جمع
۰/۰۰۰	۱۶/۰۰	گروه اول	۱/۲	۷	بسیار کم
			۱/۹	۱۱	کم
			۱۳/۴	۷۷	متوسط
		گروه دوم	۳۴/۶	۱۹۸	زیاد
			۴۸/۹	۲۸۰	بسیار زیاد
			۱	۵۷۳	جمع

رابطه بین سن با میزان احساس شادی در هنگام رفتار علمی، هنری، اخلاقی و دینی با در نظر گرفتن ضرایب هم‌بستگی و حجم نمونه، در همه متغیرها، چون  $p$ -مقدار محاسبه شده در هر دو آزمون بیشتر از سطح معناداری  $\alpha = 0/05$  است؛ بنابراین، در این سطح،  $H_0$  رد نمی‌شود؛ یعنی بین سن با میزان احساس شادی در هنگام رفتار علمی، هنری، اخلاقی و دینی دانشجویان رابطه معناداری وجود ندارد (جدول ۳).

جدول (۳): آماره‌های آزمون هم‌بستگی

تاو b کندال		اسپیرمن		متغیر	سن
$p$ -مقدار	$\tau_b$	$p$ -مقدار	$r_s$		
۰/۶۰۷	۰/۰۱۸	۰/۶۱۵	۰/۰۲۳	میزان احساس شادی در رفتار علمی	
۰/۰۷۹	-۰/۰۶۲	۰/۰۷۶	-۰/۰۸۰	میزان احساس شادی در رفتار هنری	
۰/۳۳۴	۰/۰۳۶	۰/۳۳۶	۰/۰۴۳	میزان احساس شادی در رفتار اخلاقی	
۰/۳۰۷	-۰/۰۳۸	۰/۳۰۲	-۰/۰۴۶	میزان احساس شادی در رفتار دینی	

رابطه بین مقطع تحصیلی با میزان احساس شادی در هنگام رفتار علمی، هنری، اخلاقی و دینی

با در نظر گرفتن ضرایب هم‌بستگی و حجم نمونه، چون فقط در متغیر «میزان احساس شادی در رفتار هنری»،  $p$ -مقدار محاسبه شده در هر دو آزمون کمتر از سطح معناداری  $\alpha = 0/05$  است؛ بنابراین، در این سطح،  $H_0$  رد می‌شود؛ یعنی فقط بین مقطع تحصیلی با میزان احساس شادی در هنگام رفتار هنری دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد، به طوری که با توجه ضرایب هم‌بستگی، این رابطه منفی و ضعیف است (جدول ۴).

جدول (۴): آماره‌های آزمون هم‌بستگی

تاو b کندال		اسپیرمن		متغیر	آزمون
$p$ -مقدار	$\tau_b$	$p$ -مقدار	$r_s$		
۰/۲۳۱	۰/۰۴۶	۰/۲۲۹	۰/۰۵۳	میزان احساس شادی در رفتار علمی	مقطع تحصیلی
۰/۰۲۲	-۰/۰۸۷	۰/۰۲۱	-۰/۱۰۱	میزان احساس شادی در رفتار هنری	
۰/۸۱۳	-۰/۰۰۹	۰/۸۱۶	-۰/۰۱۰	میزان احساس شادی در رفتار اخلاقی	
۰/۱۳۰	-۰/۰۶۰	۰/۱۳۳	-۰/۰۶۶	میزان احساس شادی در رفتار دینی	

رابطه بین تعداد واحد گذرانده با میزان احساس شادی در هنگام رفتار علمی، هنری، اخلاقی و دینی

با در نظر گرفتن ضرایب هم‌بستگی و حجم نمونه، چون در همه متغیرها  $p$ -مقدار محاسبه شده در هر دو آزمون بیشتر از سطح معناداری  $\alpha = 0/05$  است؛ بنابراین، در این سطح،  $H_0$  رد نمی‌شود؛ یعنی بین تعداد واحد گذرانده با میزان احساس شادی در هنگام رفتار علمی، هنری، اخلاقی و دینی دانشجویان رابطه معناداری وجود ندارد (جدول ۵).

جدول (۵): آماره‌های آزمون هم‌بستگی

تاو b کندال		اسپیرمن		متغیر	
مقدار -p	$\tau_b$	مقدار -p	$r_s$	آزمون	
۰/۵۶۰	-۰/۰۲۱	۰/۵۶۶	-۰/۰۲۸	میزان احساس شادی در رفتار علمی	تعداد واحد گذرانده
۰/۹۱۱	-۰/۰۰۴	۰/۹۲۷	-۰/۰۰۴	میزان احساس شادی در رفتار هنری	
۰/۶۷۵	-۰/۰۱۶	۰/۶۷۴	-۰/۰۲۰	میزان احساس شادی در رفتار اخلاقی	
۰/۵۵۲	-۰/۰۲۲	۰/۵۴۹	-۰/۰۲۹	میزان احساس شادی در رفتار دینی	

رابطه بین معدل کل با میزان احساس شادی هنگام رفتار علمی، هنری، اخلاقی و دینی با در نظر گرفتن ضرایب هم‌بستگی و حجم نمونه، چون در همه متغیرها -p مقدار محاسبه شده در هر دو آزمون بیشتر از سطح معناداری  $\alpha = ۰/۰۵$  است؛ بنابراین، در این سطح،  $H_0$  رد نمی‌شود؛ یعنی بین معدل کل با میزان احساس شادی در هنگام رفتار علمی، هنری، اخلاقی و دینی دانشجویان رابطه معناداری وجود ندارد (جدول ۶).

جدول (۶): آماره‌های آزمون هم‌بستگی

تاو b کندال		اسپیرمن		متغیر	
مقدار -p	$\tau_b$	مقدار -p	$r_s$	آزمون	
۰/۳۲۴	۰/۰۳۹	۰/۳۲۸	۰/۰۵۱	میزان احساس شادی در رفتار علمی	معدل کل
۰/۵۴۶	۰/۰۲۳	۰/۵۶۲	۰/۰۳۰	میزان احساس شادی در رفتار هنری	
۰/۴۰۳	۰/۰۳۴	۰/۴۰۷	۰/۰۴۱	میزان احساس شادی در رفتار اخلاقی	
۰/۱۱۵	۰/۰۶۳	۰/۱۲۴	۰/۰۸۰	میزان احساس شادی در رفتار دینی	

رابطه بین معدل دیپلم با میزان احساس شادی هنگام رفتار علمی، هنری، اخلاقی و دینی با در نظر گرفتن ضرایب هم‌بستگی و حجم نمونه، چون در همه متغیرها -p مقدار محاسبه شده در هر دو آزمون بیشتر از سطح معناداری  $\alpha = ۰/۰۵$  است؛ بنابراین، در این سطح،

H0 رد نمی شود؛ یعنی بین معدل دیپلم با میزان احساس شادی در هنگام رفتار علمی، هنری، اخلاقی و دینی دانشجویان رابطه معناداری وجود ندارد (جدول ۷).

جدول (۷): آماره‌های آزمون هم‌بستگی

تاو b کندال		اسپیرمن		متغیر	آزمون
مقدار -p	$\tau_b$	مقدار -p	$r_s$		
۰/۵۹۸	۰/۰۲۰	۰/۶۰۳	۰/۰۲۶	میزان احساس شادی در رفتار علمی	معدل دیپلم
۰/۴۸۰	۰/۰۲۶	۰/۴۸۷	۰/۰۳۵	میزان احساس شادی در رفتار هنری	
۰/۸۹۶	۰/۰۰۵	۰/۸۹۲	۰/۰۰۷	میزان احساس شادی در رفتار اخلاقی	
۰/۲۱۹	-۰/۰۴۸	۰/۲۲۶	-۰/۰۶۰	میزان احساس شادی در رفتار دینی	

مقایسه میزان احساس شادی در هنگام رفتار علمی، هنری، اخلاقی و دینی بر اساس جنسیت

با توجه به اینکه در متغیرهای «میزان احساس شادی در رفتار هنری» و «میزان احساس شادی در رفتار دینی»،  $p$ -مقدار محاسبه شده کمتر از سطح معناداری  $\alpha = ۰/۰۵$  است؛ بنابراین، در این سطح،  $H_0$  رد می شود؛ یعنی میانه (میانگین) میزان احساس شادی در رفتار هنری و دینی دانشجویان مرد و زن متفاوت است، به طوری که با توجه به میانگین رتبه‌ها، میزان احساس شادی در هنگام رفتار هنری و دینی دانشجویان زن بیشتر بوده است (جدول ۸).

جدول (۸): آماره‌های آزمون مان - ویتنی

-p مقدار	Z	U مان - ویتنی	میانگین رتبه‌ها		متغیر	آزمون
			زن	مرد		
۰/۴۶۳	-۰/۷۳۵	۳۲۵۳۷/۵	۲۵۶/۰۱	۲۶۵/۳۵	میزان احساس شادی در رفتار علمی	
۰/۰۳۵	-۲/۱۰۵	۳۰۱۶۴	۲۷۲/۷۸	۲۴۶/۱۴	میزان احساس شادی در رفتار هنری	
۰/۸۵۶	-۰/۱۸۱	۳۳۶۰۴/۵	۲۶۲/۰۴	۲۵۹/۸۸	میزان احساس شادی در رفتار اخلاقی	
۰/۰۳۲	-۲/۱۴۷	۶۲۱۴۳/۵	۲۷۳/۴۷	۲۴۷/۵۸	میزان احساس شادی در رفتار دینی	



**مقایسه میزان احساس شادی در هنگام رفتار علمی، هنری، اخلاقی و دینی بر اساس محل تولد**

با ملاحظه اینکه در متغیر «میزان احساس شادی در رفتار اخلاقی»،  $p$  - مقدار محاسبه شده کمتر از سطح معناداری  $\alpha = 0/05$  است؛ بنابراین، در این سطح،  $H_0$  رد می‌شود؛ یعنی میانه (میانگین) میزان احساس شادی در هنگام رفتار اخلاقی دانشجویان استان کرمان و خارج از استان کرمان متفاوت است، به طوری که با توجه به میانگین رتبه‌ها، میزان احساس شادی در هنگام رفتار اخلاقی دانشجویان خارج از استان کرمان بیشتر بوده است (جدول ۹).

جدول (۹): آماره‌های آزمون مان - ویتنی

-p مقدار	Z	U مان - ویتنی	میانگین رتبه‌ها		متغیر آزمون
			خارج از کرمان	کرمان	
0/128	-1/023	24773/5	250/09	231/13	میزان احساس شادی در رفتار علمی
0/991	-0/011	26809	237/91	238/06	میزان احساس شادی در رفتار هنری
0/009	-2/601	23575/5	257/56	227/24	میزان احساس شادی در رفتار اخلاقی
0/906	-0/118	26852/5	238/15	239/54	میزان احساس شادی در رفتار دینی

**مقایسه میزان احساس شادی در هنگام رفتار علمی، هنری، اخلاقی و دینی بر اساس دانشگاه**

با توجه به اینکه در متغیر «میزان احساس شادی در هنگام رفتار علمی»،  $p$  - مقدار محاسبه شده کمتر از سطح معناداری  $\alpha = 0/05$  است؛ بنابراین، در این سطح،  $H_0$  رد می‌شود؛ یعنی میانه (میانگین) میزان احساس شادی در هنگام رفتار علمی دانشجویان حداقل در دو دانشگاه از چهار دانشگاه متفاوت است، به طوری که با توجه به میانگین رتبه‌ها و آزمون‌های تکمیلی، میزان احساس شادی در هنگام رفتار علمی دانشجویان دانشگاه شهید باهنر، علوم پزشکی و پیام نور از دانشگاه آزاد اسلامی بیشتر بوده است (جدول ۱۰).

جدول (۱۰): آماره‌های آزمون کروسکال - والیس

-p مقدار	درجه آزادی	$\chi^2$	میانگین رتبه‌ها				میزان احساس شادی در رفتار
			علوم پزشکی	پیام نور	آزاد اسلامی	شهید باهنر	
۰/۰۰۰	۳	۲۰/۲۴۹	۲۸۲/۵۶	۲۶۶/۲۱	۲۲۴/۳۴	۲۹۷/۱۵	علمی
۰/۱۵۹	۳	۵/۱۸۳	۲۸۵/۷۰	۳۰۴/۹۲	۲۵۹/۵۵	۲۶۶/۷۳	هنری
۰/۱۸۴	۳	۴/۸۳۶	۲۶۹/۸۹	۲۴۹/۷۰	۲۶۴/۲۲	۲۸۶/۹۶	اخلاقی
۰/۸۹۸	۳	۰/۵۹۵	۲۶۵/۵۴	۲۷۷/۹۵	۲۷۰/۴۱	۲۷۷/۶۴	دینی

مقایسه میزان احساس شادی هنگام رفتار علمی، هنری، اخلاقی و دینی براساس دانشکده

با ملاحظه اینکه در همه متغیرها، p- مقدار محاسبه شده کمتر از سطح معناداری  $\alpha = ۰/۰۵$  نیست؛ بنابراین در این سطح،  $H_0$  رد نمی‌شود؛ یعنی میانه (میانگین) میزان احساس شادی در هنگام رفتار اخلاقی دانشجویان در دانشکده مختلف متفاوت نبوده است (جدول ۱۱).

جدول (۱۱): آماره‌های آزمون کروسکال - والیس

-p مقدار	درجه آزادی	$\chi^2$	میانگین رتبه‌ها							میزان احساس شادی در رفتار	
			علوم پزشکی	دامپزشکی	تربیت بدنی	هنر و معماری	کشاورزی	فنی و مهندسی	علوم پایه		علوم انسانی
۰/۷۸۲	۷	۳/۹۸	۲۴۷/۹	۲۴۰/۶	۲۶۹/۱	۲۶۷/۹	۲۵۱/۷	۲۲۹/۷	۲۴۱/۳	۲۲۴/۰	علمی
۰/۲۲۶	۷	۹/۳۹	۲۵۰/۰	۱۹۰/۵	۲۴۳/۴	۳۰۵/۴	۲۵۰/۰	۲۱۴/۳	۲۴۸/۲	۲۲۹/۶	هنری
۰/۴۱۸	۷	۷/۱۱	۲۲۴/۳	۲۰۴/۵	۱۸۷/۰	۲۳۹/۷	۲۴۰/۹	۲۴۸/۶	۲۵۸/۴	۲۴۴/۱	اخلاقی
۰/۰۸۸	۷	۱۲/۴۱	۲۲۹/۱	۲۰۵/۶	۲۱۸/۳	۲۱۰/۳	۲۴۷/۴	۲۱۱/۳	۲۴۵/۷	۲۶۷/۷	دینی

**مقایسه میزان احساس شادی در هنگام رفتار علمی، هنری، اخلاقی و دینی بر اساس محل سکونت**

با توجه به اینکه در همه متغیرها،  $p$ -مقدار محاسبه شده کمتر از سطح معناداری  $\alpha = 0/05$  نیست؛ بنابراین، در این سطح،  $H_0$  رد نمی‌شود؛ یعنی میانه (میانگین) میزان احساس شادی در هنگام رفتار اخلاقی دانشجویان در دانشکده مختلف متفاوت نبوده است (جدول ۱۲).

جدول (۱۲): آماره‌های آزمون کروسکال - وایس

-p مقدار	درجه آزادی	$\chi^2$	میانگین رتبه‌ها			میزان احساس شادی در رفتار
			خوابگاه	منزل استیجاری	منزل شخصی	
0/173	2	3/508	234/13	209/81	212/09	علمی
0/052	2	5/905	229/82	191/08	222/49	هنری
0/302	2	2/395	223/49	233/23	211/57	اخلاقی
0/572	2	1/117	227/84	214/95	215/99	دینی

**بحث و نتیجه‌گیری**

پژوهش حاضر، نشانگر آن است که با افزایش رفتارهای علمی، هنری، اخلاقی و دینی، شادی در دانشجویان افزایش می‌یابد و این جای امیدواری است؛ چرا که چنین امری گویای منزلت و شخصیت موجه علمی و معنوی دانشجویان است که چنین نوع رفتارهای پسندیده و شایسته‌ای باعث افزایش شادی در آنان می‌شود.

تناسب و تطابق هر کدام از موارد علم، هنر، اخلاق و دیانت با ذات و فطرت اصیل انسان‌ها، خصوصاً جامعه آماری تحقیق حاضر که متشکل از دانشجویان مسلمان است، می‌تواند یکی از دلایلی باشد که انجام هر کدام از امور علمی، هنری، اخلاقی و دینی را برای آنان شادی‌آفرین جلوه داده و افزایش شادی را برای آنان در پی خواهد داشت، همان گونه که جهل، زشتی و گناه به واسطه عدم انطباق با ذات و فطرت انسانی، سبب ایجاد شادی در انسان نمی‌شود. از طرف دیگر، قدم برداشتن در مسیر هدفی که آدمی برای آن خلق شده، یعنی علم، اخلاق و ایمان، شادی‌بخش است. حتی به صورت جزئی‌تر، اگر به راستی یکی از اهداف تحصیلات دانشگاهی رسیدن به علم و دانایی است؛ بنابراین،

انتظاری هم جز این نیست، دانشجویی که رفتار علمی را انجام می‌دهد و به سوی هدفی قدم بر می‌دارد که برای رسیدن به آن هدف وارد دانشگاه شده است، شادتر از دانشجویی باشد که در جهت خلاف رسیدن به چنین هدفی حرکت می‌کند.

در قرآن کریم نیز انجام کار خوب (حج، ۷۷)، اقامه نماز و انفاق (بقره، ۳-۴) از عوامل ایجاد سعادت و رستگاری در انسان‌ها معرفی شده است. همچنین خداوند وعده داده که برای اهل ایمان و تقوی در دنیا و آخرت، بشارت و شادی است (یونس، ۶۳-۶۴) و نیز نیکوکاران، شایسته بشارت و شادی معرفی شده‌اند (حج، ۳۷) و اهل ایمان و عمل صالح که نماز را بر پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند، هیچ ترس و حزنی بر آنان نخواهد بود (بقره، ۲۷۷)؛ به عبارت دیگر، هر کدام از افراد یاد شده مراتبی از شادی را دریافت خواهند داشت. در *انجیل* نیز اطاعت و بندگی خدا و تسلیم بودن نسبت به او (Deut. 33:29; 2Chr. 9:7)، نیکوکاری (1 Peter 3:14)، حکمت و علم (Prov. 3:13) و ترحم نسبت به فقرا و توجه به آنان (Prov. 14:21; Ps. 41:1)، از جمله عوامل سعادت و شادی انسان‌ها معرفی شده است.

از طرف دیگر، فلاسفه ایرانی و مسلمان، مانند جاحظ، فارابی، ابن مسکویه، ابوعلی سینا، غزالی، خواجه نصیرالدین طوسی، مهدی نراقی، احمد نراقی و علامه طباطبایی، مواردی از این قبیل را از عوامل سعادت و شادی انسان معرفی نموده‌اند: دانش و معرفت، فضایل، خوبی‌ها، صفات جمیل اخلاقی، صبر، دیانت، اطاعت و بندگی خدا و تهذیب نفس (دفتر همکاری حوزه دانشگاه، ۱۳۷۷؛ بهشتی و همکاران، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰؛ رفیعی، ۱۳۸۱؛ مدرسی زنجانی، ۱۳۷۹). همچنین فلاسفه غیر ایرانی و غیر مسلمان، مانند سقراط، افلاطون، ارسطو، اپیکور، آگوستین، آکوئیناس، اسپینوزا، ژان ژاک روسو، کانت، جرمی بنتهام و جان استوارت میل، نیز مواردی از این قبیل را سبب سعادت و شادی انسان دانسته‌اند: دانایی، تحصیل دانش، تقوی، فضیلت، درستکاری، فضایل اخلاقی، صبر، شناخت خدا، قرب به خدا، اتحاد و وحدت با او و صفات شایسته دینی (فرد، ۲۰۰۳<sup>۱</sup>، دیویس، ۲۰۰۳<sup>۲</sup>؛ کامتی اسپانویل، ۲۰۰۳<sup>۳</sup>، کاشنزو، ۱۹۹۸<sup>۴</sup>، آیدی، ۲۰۰۱<sup>۵</sup>؛ نودینگ، ۲۰۰۵؛ وایت، ۲۰۰۶، یاسپرس، ۱۹۹۶<sup>۶</sup>؛ میلر، ۲۰۰۵<sup>۷</sup>، نادلر، ۲۰۰۵<sup>۸</sup>، کورلی، ۱۹۹۶<sup>۹</sup>، داور، ۲۰۰۲<sup>۱۰</sup>، هاندریچ، ۲۰۰۵<sup>۱۱</sup>).

1. Fred

3. Comte Spanvill

5. Audi

7. Miller

9. Curely

11. Honderich

2. Davies

4. Koshentzo

6. Yaspers

8. Nadler

10. Dowar

مارتین، (۲۰۰۵)، نودینگ، (۲۰۰۵)، ناتل، (۲۰۰۵) و هوگارد، (۲۰۰۵)، نتایج پژوهش‌ها و نظریه‌هایی را بیان می‌دارند که بر اساس آنها مجموعه فعالیت‌های مختلف دینی به نوعی می‌توانند افزایش شادی را در پی داشته باشد و یا سبب ایجاد شادی در افراد شود. با توجه به نتایج این پژوهش‌ها و یا نظریه‌های بیان شده همین مسئله در مورد امور اخلاقی نیز صادق است که تعهد نسبت به آنها و انجام و رعایت آنها می‌تواند با افزایش شادی هم‌بستگی و رابطه داشته باشد.

اصولاً ایمان مذهبی با ارتباط دادن افراد به امری فراتر از خودشان (ناتل، ۲۰۰۵)، آدمی را از احساس تنهایی، غربت و نگرانی نجات می‌دهد و با ارتباط دادن انسان با عالی‌ترین امر ممکن - یعنی خداوند - به روح آدمی، وسعت و گشایش می‌بخشد و با زمینه‌سازی یاد خدا برای انسان وسیله آرامش و اطمینان قلب و روح او را فراهم می‌کند (رعد، ۲۸).

همچنین نتیجه دیگر تحقیق حاضر، این است که بین مقطع تحصیلی با میزان احساس شادی در هنگام رفتار هنری دانشجویان، رابطه معنادار منفی و وضعی وجود دارد. میزان احساس شادی در هنگام رفتار هنری و دینی دانشجویان مرد و زن متفاوت است، به طوری که میزان احساس شادی در هنگام رفتار هنری و دینی دانشجویان زن بیشتر بوده است. میزان احساس شادی در هنگام رفتار اخلاقی دانشجویان استان کرمان و خارج از استان کرمان متفاوت است؛ به طوری که میزان احساس شادی در هنگام رفتار اخلاقی دانشجویان خارج از استان کرمان بیشتر بوده است. میزان احساس شادی در هنگام رفتار علمی دانشجویان در بعضی دانشگاه‌های مورد بررسی متفاوت است؛ به طوری که میزان احساس شادی در هنگام رفتار علمی دانشجویان دانشگاه‌های شهید باهنر، علوم پزشکی و پیام نور کرمان از دانشگاه آزاد اسلامی بیشتر است.

اما نتایج این تحقیق نشان داد که بین سن دانشجویان با میزان احساس شادی در هنگام رفتار علمی، هنری، اخلاقی و دینی، بین مقطع تحصیلی دانشجویان با میزان احساس شادی در هنگام رفتار علمی، اخلاقی و دینی، بین تعداد واحدهای گذرانده دانشجویان با میزان احساس شادی در هنگام رفتار علمی، هنری، اخلاقی و دینی، بین معدل دیپلم دانشجویان با میزان احساس شادی در هنگام رفتار علمی، هنری، اخلاقی و دینی، رابطه معناداری وجود نداشته است. همچنین میزان احساس شادی دانشجویان با جنسیت‌های گوناگون در هنگام رفتار علمی و اخلاقی، بین میزان احساس شادی دانشجویان با محل تولدهای مختلف در هنگام رفتار علمی، هنری و دینی، بین میزان احساس شادی دانشجویان دانشگاه‌های گوناگون در هنگام رفتار هنری، اخلاقی و دینی، بین میزان احساس شادی دانشجویان

دانشکده‌های مختلف در هنگام رفتار هنری، اخلاقی و دینی، بین میزان احساس شادی دانشجویان با محل سکونت‌های گوناگون در هنگام رفتار اخلاقی تفاوت معناداری وجود نداشته است. بر اساس اظهار نظر مارتین، (۲۰۰۵)، محل تولد شخص، یعنی اینکه وی در کدام شهر و کشور متولد شده باشد، می‌تواند با میزان احساس شادی او ارتباط داشته باشد.

هوگارد (۲۰۰۵)، ناتل (۲۰۰۵) و مارتین (۲۰۰۵)، تأکید می‌کنند که سن، جنسیت و میزان پیشرفت تحصیلی در بیشتر تحقیقات، رابطه معناداری با شادی نشان نداده‌اند و یا رابطه‌ای بسیار اندک نشان داده است. همچنین در سنین مورد نظر در تحقیق حاضر، به گفته هوگارد (۲۰۰۵) و مارتین (۲۰۰۵) سایر تحقیقات نیز به رابطه معناداری بین سن و شادی دست نیافته‌اند، اگر چه بیشتر تحقیقات انجام شده، نشانگر آن است که افراد همان طور که مسن تر می‌شوند، شادتر می‌گردند. ظهور و فکری (۲۰۰۴) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که شادی دانشجویان، رابطه معناداری با متغیرهایی مانند سن، جنسیت و محل سکونت دانشجویان ندارد.

به هر حال، نتیجه تحقیق حاضر، این است که با افزایش رفتارهای علمی، هنری، اخلاقی و دینی، میزان شادی دانشجویان افزایش می‌یابد. چنین امری بیانگر شخصیت والای علمی و معنوی دانشجویان است؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که به جایگاه و منزلت والای علم، هنر، اخلاق و دین که توانسته چنان افزایش شادی را در دانشجویان داشته باشد، توجه بیشتری شود و دانشجویان در محیط دانشگاه به سوی کسب دانش حقیقی، جامع و ژرف، تولید علم، نظریه‌پردازی، حل مشکلات جامعه در ابعاد مختلف آن، اختراع، اکتشاف و نوآوری رهنمون شوند و در سایر ابعاد هنری، اخلاقی و دینی راه برای خودیابی و شکوفایی برای آنان - با درک چنین خصوصیتی در خود - باز شود.

از طرف دیگر، با توجه به نتیجه یاد شده، پیشنهاد می‌شود که به منظور افزایش میزان شادی دانشجویان، رفتارهای علمی، هنری، اخلاقی و دینی در آنان افزایش یابد؛ به عبارت دیگر، مجموعه عوامل و مؤلفه‌های نظام آموزش عالی و دانشگاه، نظام برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، روش‌های تدریس و ارزش‌یابی و مدیریت آموزشی و سایر عوامل مؤثر به گونه‌ای طراحی و اجرا شود که به تقویت و بهبود هر کدام از این رفتارها در دانشجویان توجه بیشتری شود. چنین امری، نه تنها افزایش علم، هنر، اخلاق و دیانت را در دانشجویان به دنبال خواهد داشت؛ بلکه با افزایش شادی حقیقی، به آرامش واقعی نیز خواهند رسید.

همچنین به محققان دیگر پیشنهاد می‌شود که چنین تحقیقی را در مورد دانش‌آموزان در مقاطع گوناگون تحصیلی و سایر اقشار مردم نیز در نقاط مختلف کشور انجام دهند و راه را برای دستیابی به یک نظریه جامع و اساسی در خصوص تبیین رابطه انواع رفتارها با شادی فراهم کنند، که چنین امری خود باعث پای‌بندی و تعهد بیشتر انسان‌ها به انواع رفتارهای پسندیده و آرامش و شادی بیشتر در آنها خواهد شد.

## فهرست منابع

- بهشتی، محمد؛ علی نقی، فقیهی و مهدی، ابوجعفری (۱۳۷۹)، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، ج ۲، قم و تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰)، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، ج ۴، تهران: انتشارات سمت.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۷)، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، ج ۱. تهران: انتشارات سمت.
- رفیعی، بهروز (۱۳۸۱)، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، ج ۳، قم و تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت.
- مدرسی زنجانی، محمد (۱۳۷۹)، *سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- Alavi, H. R. (2008), *Religious Philosophical and Psychological Foundations of Happiness*, Qum: Ansaryan.
- Audi, R. (2001), *The Cambridge dictionary of philosophy*, Second edition, U.K: Cambridge university press.
- Comte - Sponvill, A. (2003), *Great virtues*, Translated into English by Catherine Temerson, U.K: Vintage.
- Curley, E. (1996), *Benedict De Spinoza, Ethics*, England: Penguin Classics.
- Davies, B. (2003), *Aquinas*, Second edition, London, New York: Continuum.
- Dowar, G. (2002), *Religious studies: philosophy & Ethics*, Oxford: university press.
- Frede, D. (2003), *Plato's ethics: an overview Stanford encyclopedia of philosophy*, University of Hamburg.
- Hoggard, L. (2005), *How to Be Happy*, London: B.B.C books.
- Honderich, T. (2005), *The Oxford Companion to Philosophy*, Oxford: Oxford University press.
- Koshentzo, L. (1998), *Great philosophers of Greece*, Tehran: Ghazal.
- Martin, P. (2005), *Making happy people*, London: Harper perennial.
- Miller, J. (2005), *Spinoza's Axiology*, Queen's university, Ontario.
- Nadler, S. (2005), *Baruch Spinoza - Stanford Encyclopedia of philosophy*.
- Nettle, D. (2005), *Happiness*, Oxford: Oxford university press.



- Noddings, N. (2005), *Happiness and education*, Cambridge: Cambridge university press.
- White, N. (2006), *A brief history of happiness*, U.K: Blackwell publishing.
- Yaspers, K. (1996), *Spinoza - philosophy of divinity and politics*, Khorramshahr: Tarh-e-nou.
- Zohoor, A. & Fekri, A. (2004), "University Students Happiness of Faculty of Management and Medical Information Sciences", Iran University of Medical Sciences, *Journal of Sabzevar School of Medical sciences*, 11 (1).